

## ابعاد حقوقی انتقال سفارت ایالات متحده به بیت المقدس

فریبا نویدنیا\*

### چکیده

سفارت آمریکا در تل آویو به قدس شریف منتقل شده است، شورای امنیت سازمان ملل متحد مطابق قطع نامه ۴۷۸ بیت المقدس شرقی را سرزمین اشغالی می داند و الحاق این بخش را به اسرائیل نقض حقوق بین الملل دانسته است. این قطع نامه که با رأی ممتنع آمریکا و با ۱۴ رأی مثبت تصویب شد، از دولت ها می خواهد تا از انتقال سفارت خود به اورشلیم خودداری کنند. مطابق مواد ۲۴ و ۲۵ منشور دول عضو باید از تصمیم این سازمان تبعیت کنند. از این رو باید از نظر حقوقی این انتقال بررسی گردد. نوآوری تحقیق این است که از نظر حقوق بین الملل، داشتن سفارت از سوی کشورها در اسرائیل مشروع و قانونی نیست. مقاله حاضر به دنبال تحلیل حقوقی حول این پرسش است که انتقال سفارت آمریکا به سرزمین های اشغالی فلسطین از منظر حقوق بین الملل چه آثاری دارد؟ یافته های تحقیق حاضر نشان می دهند که این اقدام برخلاف موازین حقوق بین الملل از جمله حقوق اماکن مقدس، حقوق بین الملل عرفی، نظام حقوقی اشغال، تعهد به عدم شناسایی وضعیت های غیرقانونی و قطعنامه های مجمع عمومی و شورای امنیت است.

**کلیدواژه ها:** انتقال، سفارت، ایالات متحده، بیت المقدس، ممنوعیت شناسایی

\* دانشجوی ارشد رشته حقوق بین الملل دانشگاه واحد پیام نور گرمسار navidnia2020@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۶



### مقدمه و بیان مساله

۲۵ جولای هر سال یادآور قیمومیت منحوس انگلیس بر سرزمین فلسطین است که در واقع زمینه ساز شکل گیری رژیم صهیونیستی در این سرزمین مقدس است. شکل گیری جنبش صهیونیسم و همه گیر شدن آن در اروپا صهیونیسم، در واقع جنبش قوم یهود برای ایجاد جامعه و کشور خود مختار یهودی در فلسطین است. در ۱۴ می ۲۰۱۸ رسماً سفارتخانه آمریکا در بیت المقدس افتتاح شد و دونالد ترامپ به یکی دیگر از وعده های انتخاباتی خود عمل کرد. تاکنون بیش از ۶۰ کشته از فلسطینیان بر جای گذاشته و این یعنی افتتاح این سفارتخانه یکی از خونین ترین افتتاح ها در جهان است.

شناخت صحیح و دقیق جریانات فکری و سیاسی جامعه و مواضع آنها، یکی از پیش نیازهای مهم برای کلیه کسانی است که قصد دارند به صحنه فعالیت های سیاسی و اجتماعی وارد شوند. چنین شناختی در افزایش قدرت تحلیل، پیش بینی عملکرد گروه های سیاسی و اتخاذ مواضع صحیح در قبال رویدادهای سیاسی و اجتماعی تأثیر تعیین کننده ای خواهد داشت؛ به ویژه با توجه به اینکه در جامعه امروز ما، بسیاری از جریانات فکری و سیاسی، به صورت حزب و سازمان سیاسی رسمیت نیافته و مواضع خود را رسماً تدوین و در معرض قضاوت افکار عمومی قرار نداده اند.

هیچ ملتی در طول یکصدسال گذشته به اندازه ملت فلسطین آسیب ندیده اند. همچنین هیچ بحرانی به اندازه مسئله فلسطین چنین طولانی نبوده است. مناسب ترین کار مذاکره میان کشورهای منطقه برای تفاهم در مورد اختلافات و در نتیجه رسیدن به موضع واحد در مورد فلسطین و آینده آن است. اقدام متهورانه و اهانت آمیز ترامپ مبنی بر به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، تحولات فلسطین را وارد مرحله تازه ای کرده است. این اقدام با قوانین بین المللی و قطعنامه های فراوان سازمان ملل مغایرت آشکار دارد، اما آمریکا سعی دارد همانند گذشته بدون اعتنا به مقررات بین المللی و با حمایت جانبدارانه از اسرائیل، به تکمیل پروژه یهودی سازی بیت المقدس کمک کند و این موضوع را به عنوان یک امر واقع بر منطقه و جهان تحمیل کند.

اگر این پروژه تحقق یابد، نقشه جدیدی در فلسطین اشغالی ترسیم خواهد شد که بر اثر آن توسعه طلبی اسرائیل افزایش یافته و حقوق مسلم فلسطینی ها هر چه بیشتر بر باد خواهد رفت. اگر آمریکا



و اسرائیل با مانع جدی مواجه نشوند و با تبدیل قدس به پایتخت رژیم غاصب، روند یهودی سازی قدس را تکمیل کنند، عملاً جامعه بین الملل خود را در برابر یک اقدام انجام شده خواهد دید. در این صورت هرگونه اقدام متقابل برای به رسمیت شناختن هویت اسلامی قدس، کار دشواری خواهد بود.

تجربه نشان داده است اقدامات سیاسی و حقوقی از سوی کشورها و مجامع بین المللی کارآیی موثری ندارد، لذا مهمترین عامل بازدارنده، مقاومت مردم منطقه و خصوصاً تداوم انتفاضه مرم فلسطین است.

با توجه به پیروزی هایی که جبهه مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران در دوره اخیر کسب کرده است، لازم است از این ظرفیت به عنوان یک عامل مهم بازدارنده علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی بهره برداری مناسب صورت گیرد تا قبله اول مسلمانان مورد تسخیر دشمنان قرار نگیرد (دورنمای انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس، ۱۳۹۶).

کشورهای اسلامی می توانند برای خنثی نمودن روند انتقال سفارت به بیت المقدس از قطعنامه ۳۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد موسوم به قطعنامه اتحاد برای صلح استفاده نمایند. قطعنامه ۳۷۷ اشاره به این موضوع دارد که اگر در مواردی شورای امنیت به علت وتوی یکی از اعضای خود نتواند به هنگام تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز اقدام مناسبی انجام دهد، وظیفه صلح و امنیت بین المللی به عهده مجمع عمومی سازمان ملل گذاشته می شود. لازمه اقدام در این مورد بها دادن به دیپلماسی منطقه ای در جهت حل مشکلات میان کشورهای منطقه و اتحاد کشورهای اسلامی برای خنثی نمودن اقدامات اسرائیل و ترامپ است. (میرمحمدی، سیدمصطفی ۱۳۹۷).

### هدف اصلی

ابعاد حقوقی انتقال سفارت ایالات متحده به بیت المقدس

### اهداف فرعی

- تعیین مخاطرات انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس



- تعیین نقش قطعنامه ۴۷۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد
- تعیین عواقب و افکار عمومی جهان بر انتقال سفارت ایالات متحده به بیت المقدس
- بررسی اهداف ترامپ از اقدام احتمالی برای اجرای مصوبه انتقال سفارت تبعات آن

### فرضیه‌ها تحقیق

- به نظر می‌رسد در صورت انتقال سفارت ایالات متحده، نوعی خیزش در مقابل شورای امنیت و مجامع حقوقی بین‌المللی اتفاق افتاده است.
- به نظر می‌رسد ایالات متحده با طرح مساله انتقال سفارت به بیت المقدس وجهه خود در نظام بین‌الملل را بیش از پیش خدشه‌دار کند.
- بر اساس ۴۷۸ قطعنامه، سازمان ملل متحد، قدس را به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت نخواهد شناخت.

### روش اجرای تحقیق

با توجه به اینکه روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است، ابتدا با جستجو در پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی و استنادی همانند: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (نور مگز)، تبیان، مگ ایران و سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سپس مراجعه به کتابخانه‌های دیجیتال (دانشگاه آزاد) و برخی کتابخانه‌ها (دانشگاه آزاد بندرعباس، دانشگاه هرمزگان) با استفاده از کلمات کلیدی تحقیق حاضر که شامل: انتقال، سفارت، ایالات متحده، بیت المقدس می‌باشد، در بین منابع مختلف با توجه به موضوع انتخابی و تحقیقاتی که انجام گرفته است، ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری می‌باشد که شامل: ترجمه، تلخیص، نقل قول مستقیم و غیر مستقیم است.



### بند اول - سابقه تاریخی

استدلال‌های متعددی در دفاع یا رد دولت بودن فلسطین بر اساس ملاحظات تاریخی مطرح شده‌اند. از جمله اینکه استدلال شده است که دولت فلسطین پس از از محلال امپراطوری عثمانی یک ملت مستقل شده است. در دوران قیمومت انگلیس، فلسطین بر اساس ماده ۲۲ عهدنامه ورسای تحت نظام نمایندگی گروه A اداره می‌شد که شامل ملل مستقل بود. در ماده ۲۲ معاهده ۱۹۱۹ ورسای آمده است: «جوامع مشخصی که قبلاً متعلق به امپراطوری عثمانی بوده‌اند، به درجه‌ای از توسعه رسیده‌اند که موجودیت آنها به عنوان ملت‌های مستقل می‌تواند به صورت موقت شناخته شود، به شرطی که مشاوره‌ها و کمک‌هایی در زمینه اداره (این سرزمین‌ها) از سوی دولت قیم به آنها داده شود تا آنها قادر شوند خود را اداره کنند. خواسته‌های این جوامع باید مورد ملاحظه اصلی در زمینه انتخاب دولت قیم قرار گیرد.» در این زمان همچنین برای اولین بار به فلسطینی‌ها تابعیت فلسطینی و گذرنامه داده شد. حق حاکمیت فلسطینی‌ها در قطعنامه ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تایید قرار گرفت و تقسیم سرزمین تاریخی فلسطین به دو دولت انجام شد. بنابراین، اعلامیه استقلال فلسطین در سال ۱۹۸۸ از سوی دولتی صادر شد که قبلاً در سال ۱۹۴۸ تشکیل شده بود.<sup>۱</sup>

### بند دوم - ایجاد دولت فلسطین بعد از جنگ جهانی اول

فلسطین از دهه ۱۹۲۰ به عنوان یک دولت پذیرفته شده است. در ۱۹۸۸، سازمان آزادی بخش فلسطین، اعلامیه ای را در مورد تاکید مجدد بر دولت بودن فلسطین صادر کرد و در آن اعلامیه سابقه دولت شدن فلسطین را به دهه ۱۹۲۰ ارجاع داد. در ۱۹۲۴، پیمان صلح لوزان به اجرا گذاشته شد و جنگ جهانی اول به صورت رسمی بین ترکیه و متفقین پایان یافت. بر اساس پیمان صلح لوزان، سرزمین‌های متعلق به امپراطوری عثمانی تکه تکه شدند. بر این اساس، سه دولت عراق،

<sup>۱</sup> Stettner, Ilona-Margarita, Palestinian Statehood According to International Law.



سوریه و فلسطین، از دل این سرزمین‌ها بیرون آمدند.<sup>۱</sup> در جای جای پیمان صلح لوزان، از این سرزمین‌ها با عنوان دولتها یاد شده است. همچنین چند سال بعد زمانی که دعوایی در خصوص مفهوم ماده ۹ پروتکل دوازدهم این پیمان مطرح شد، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در پاسخ، از فلسطین به عنوان «دولت جانشین» ترکیه در سرزمین فلسطین یاد کرد.<sup>۲</sup>

### بند سوم - ارتقای وضعیت فلسطین به دولت ناظر غیر عضو

پس از رد درخواست عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱، به فاصله یک سال محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ و همزمان با شصت و پنجمین سالگرد تصویب قطعنامه ۱۸۱، معروف به قطعنامه تقسیم، با حضور در مقر سازمان ملل متحد این بار درخواست ارتقای وضعیت فلسطین در سازمان ملل به «دولت ناظر غیر عضو» را مطرح کرد.

عضویت دولت فلسطین در سازمان ملل متحد به عنوان یک «دولت ناظر غیر عضو» فارغ از اینکه به مطالبات فلسطینیان در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و جاهت قانونی و مشروعیت سیاسی خواهد بخشید، به علاوه راه عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل متحد و ارکان آن را هم هموار خواهد نمود.

### ۱- مزایای بر خورنداری از وضعیت دولت بودن

با ارتقای وضعیت فلسطین به دولت، اکنون فلسطینی‌ها می‌توانند از تمامی حقوقی که یک دولت به موجب حقوق بین‌الملل دارد، برخوردار شوند. این حقوق شامل مصونیت یک دولت و مقامات آن، حمایت در برابر توسل به زور دولت‌های دیگر، حق دفاع مشروع فردی و جمعی در صورت وقوع حمله مسلحانه، صلاحیت تام بر سرزمین، منع مداخله در امری که ذاتاً در صلاحیت داخلی قرار دارند، امکان عضویت در سازمان‌های بین‌دولتی و آژانس‌های تخصصی و اهلیت تام برای

<sup>۱</sup> Lausanne (۱۹۲۳). Treaty of Peace, Lausanne,

<sup>۲</sup> Quigley, ۲۰۱۳, p.۲.



انعقاد معاهده است. بنابراین براساس قواعد و مقررات بین المللی، اسرائیل از یک سو ملزم به ترک اراضی اشغالی فلسطینی می باشد و از سوی دیگر تا قبل از ترک اراضی و در حین ترک نیز مکلف به رعایت مقررات بر شمرده و اعمال تکالیف به عنوان دولت اشغالگر بر ساکنان فلسطین است. در غیر این صورت فلسطین به عنوان دولت غیر عضو ملل متحد بر اساس بند ۳ ماده ۳۵ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری حق اقامه دعوی علیه اسرائیل و درخواست جبران خسارت های وارده را خواهد داشت. در مقابل دولت خود گردان فلسطین نیز در قبال نقض تعهدات و عرف های بین المللی و اقدامات یک جانبه مسئولیت خواهد داشت.<sup>۱</sup>

### ۲- تأثیر تصویب قطعنامه ۶۷/۱۹ بر عضویت فلسطین در ملل متحد

تایید دولت بودن فلسطین از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد احتمالاً تأثیر مهمی بر پذیرش تدریجی فلسطین به عضویت سازمان ملل متحد دارد. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، برای عضویت در ملل متحد، علاوه بر رای مثبت مجمع عمومی ملل متحد، توصیه شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز ضرورت دارد. در این مرحله بود که درخواست عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ به دلیل مخالفت امریکا با مانع مواجه شد. قطعنامه ۶۷/۱۹، از شورای امنیت می خواهد تا موضوع را مجدداً بررسی کند.<sup>۲</sup>

### ۳- تأثیر قطعنامه ۶۷/۱۹ بر نحوه برخورد با فلسطین در ملل متحد

حتی بدون پذیرش عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد، قطعنامه ۶۷/۱۹ احتمالاً منجر به افزایش حقوق هیئت ناظر فلسطین در ملل متحد خواهد شد. اما هرگونه تفاوتی احتمالاً بسیار جزئی خواهد بود، زیرا پیش از این نیز با هیئت ناظر فلسطین همانند نماینده یک دولت و حتی یک دولت عضو رفتار می شد. هم شورای امنیت و هم مجمع عمومی به هیئت فلسطینی اجازه داده اند تا در جلساتی که به صورت عادی تنها نمایندگان دولتهای عضو می توانند در آنها شرکت داشته باشند، حضور یابند.

<sup>۱</sup> پیشین.

<sup>۲</sup> Quigly, ۲۰۱۳, p.۶.



در ۴ دسامبر ۱۹۷۵، جلسه ای در مورد خاورمیانه در شورای امنیت برگزار شد و چند دولت عضو پیشنهاد کردند که از سازمان آزادی بخش فلسطین که بعداً هیئت ناظر فلسطین نامیده شد، برای شرکت در این جلسه دعوت شود. بر اساس مقرر ۳۷ شورای امنیت، تنها یک دولت عضو می تواند در گفتگوها شرکت کند. رئیس شورای امنیت توضیح داد که اگر این پیشنهاد پذیرفته شود، سازمان آزادی بخش فلسطین همانند نماینده یک دولت عضو در جلسه شرکت خواهد کرد.<sup>۱</sup>

#### ۴- تاثیر قطعنامه ۶۷/۱۹ در پایان دادن به اشغالگری اسرائیل

یکی از بندهای قطعنامه ۶۷/۱۹ حق «استقلال دولت فلسطین در سرزمین اشغالی فلسطین از سال ۱۹۶۷» را برای مردم فلسطین مورد تایید قرار می دهد. این تعیین محدوده سرزمین توسط قطعنامه، خالی از اهمیت نیست. این بدان معناست که هیچگونه ادعایی در مورد خاک فلسطین فراتر از بخش های اشغال شده ۱۹۶۷ (نوار غزه و کرانه باختری) مورد تایید نیست. از سوی دیگر، این مشخص نمودن سرزمین از تلاش های فلسطین برای به دست آوردن استقلال در سرزمینی که شامل کل کرانه باختری است، پشتیبانی می کند. اسرائیل قصد دارد آن مناطقی از کرانه باختری را که در آنها شهرک سازی نموده است، تصاحب کند.<sup>۲</sup>

اگر اسرائیل همچنان حاضر به پایان دادن به اشغالگری خود نباشد، قطعنامه ۶۷/۱۹ می تواند زمینه را برای اقدام سازمان ملل متحد برای وادار ساختن اسرائیل به بیرون رفتن از سرزمین های فلسطینی فراهم کند. تعدادی از مقامات فلسطینی اعلام کرده اند که با تایید دولت بودن فلسطین به موجب این قطعنامه، اسرائیل نه آنگونه که خود مدعی بود، در موضع اشغال کننده یک سرزمین مورد اختلاف، بلکه در موضع اشغال کننده سرزمین یک دولت خارجی قرار می گیرد. شورای امنیت به رغم داشتن اختیاراتی بر اساس فصل هفتم منشور در زمینه جنگ، هرگز به دلیل ورود به نوار غزه و کرانه باختری در سال ۱۹۶۷، یا به دلیل خودداری اسرائیل از خروج از این مناطق، این رژیم را

<sup>۱</sup> Quigley, ۲۰۱۳, p.۷.

<sup>۲</sup> Ibid





مورد تحریم قرار نداده است. این کوتاهی از ناحیه شورای امنیت با توجه به اینکه ورود اسرائیل به این مناطق فاقد مبنای حقوقی است، بیش از پیش غیرقابل توجیه است.

#### ۵- شناسایی فلسطین از سوی دیگر دولتها

فلسطین حتی از جانب دولتهایی که به صورت رسمی آن را مورد شناسایی قرار نداده اند، به عنوان یک دولت تلقی می شود. در سال ۱۹۹۱، آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، ابتکاری را برای انجام گفتگوها بین اسرائیل و فلسطین ایجاد کردند که با برگزاری کنفرانسی در مادرید شروع شد. این گفتگوها با هدف حل اختلاف نظرها بین دو طرف به خصوص در زمینه مسائل سرزمینی انجام شد.

#### ۶- دولتهایی که دولت فلسطین را شناسایی کرده اند

شناسایی دیپلماتیک به معنای تایید این موضوع است که موجودیت شناسایی شده، یک دولت است. در حال حاضر تعداد دولتهایی که فلسطین را مورد شناسایی قرار داده اند به ۱۳۱ دولت می رسد.<sup>۱</sup> اما عدم شناسایی از سوی یک دولت به معنای این نیست که آن دولت، آن موجودیت را به عنوان یک دولت تلقی نمی کند. شناسایی عملی است که به صلاحدید دولت شناسایی کننده بستگی دارد. یک دولت الزامی به شناسایی یک موجودیت ندارد، حتی اگر آن موجودیت یک دولت باشد.

#### عضویت فلسطین در ملل متحد به عنوان یک دولت و پیامدهای آن

##### بند اول- بررسی ضابطه دولت شدن در مورد فلسطین

حقوق بین الملل نگاهی تشویقی و حمایتی به مسئله پذیرش عضویت فلسطین به عنوان دولت مستقل در سازمان ملل متحد دارد. مبانی حقوقی ای که بر طبق آنها فلسطین می تواند در سازمان ملل متحد پذیرفته شود کاملاً صریح و روشن است.

<sup>۱</sup> Quigley, ۲۰۱۳, p.۳.



البته پذیرش عضویت فلسطین در ملل متحد معیاری تعیین کننده در جهت تبدیل آن به یک دولت مستقل نیست. اما برای عضویت در ملل متحد دولت بودن فلسطین حتما باید احراز شود. همانگونه که قبلا نیز اشاره شد، معمولا ۴ معیار برای اینکه یک سرزمین به دولت تبدیل شود، مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۱- جمعیت فلسطین

در خصوص شرط وجود جمعیت دائمی، تقریبا هیچ تردیدی در مورد سکونت جمعیتی دائمی در فلسطین وجود ندارد. تنها این ایراد مطرح شده است که پس از جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷، اکثریت مردم فلسطین در خارج از این سرزمین زندگی می‌کنند. به بیان دیگر از ۱۱ میلیون فلسطینی، تنها ۳٫۸ میلیون نفر آنها در سرزمین‌های فلسطینی زندگی می‌کنند.

### ۲- سرزمین فلسطین

در خصوص شرط دارا بودن سرزمین، بر اساس یک استدلال، وضعیت سرزمین فلسطین به گونه‌ای نیست که بتوان آن را «سرزمین مشخص و معین» توصیف کرد. در پاسخ به این ایراد باید گفت که موجودیت دولت فلسطین حداقل توسط یکی از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چهارچوب مرزهای سال ۱۹۴۷ یا دست کم مرزهای ۱۹۶۷ به رسمیت شناخته شده است. وجود سرزمین‌های چندپاره و جدا از هم نظیر غزه، قدس شرقی و کرانه باختری در دولتها و مناطق دیگری نظیر آلاسکا<sup>۱</sup>، گیبیرالتار<sup>۲</sup> و کالینینگراد<sup>۳</sup> نیز وجود دارند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Alaska

<sup>۲</sup> Gibraltar

<sup>۳</sup> Kaliningrad

<sup>۴</sup> Ibid



### ۳- دولت فلسطین

شاید بحث برانگیزترین معیار در زمینه دولت شدن فلسطین، معیار وجود دولت مستقل در محدوده سرزمینی فلسطین باشد. این مسئله که از نظر حقوق بین الملل حکومت فلسطین توانایی اعمال اختیار کافی بر سرزمین خود را دارد یا نه، موضوعی قابل بحث است. فلسطینی ها از سال ۱۹۹۵ به این سو دست کم بر بخش هایی از سرزمین خودشان سلطه کامل پیدا کرده اند.

موافقتنامه اسلوی<sup>۱</sup> که در سپتامبر ۱۹۹۵ به امضای مقامات سازمان آزادی بخش فلسطین و رژیم اسرائیل رسید، به صورت موقت کرانه باختری را از نظر نوع سلطه و کنترل بر سه بخش تقسیم کرد:

منطقه A - منطقه تحت سلطه موثر کامل فلسطینی ها بدون حضور دولت و نیروهای نظامی اسرائیلی (در حال حاضر ۱۸ درصد)

منطقه B - منطقه تحت کنترل مشترک، مدیریت شهری بر عهده فلسطینی ها و کنترل نظامی مشترک بر عهده نیروهای اسرائیلی و فلسطینی (در حال حاضر ۲۱ درصد)

منطقه C - منطقه تحت کنترل کامل اسرائیل، با قائل شدن برخی استثنائات برای شهروندان فلسطینی (در حال حاضر ۶۱ درصد)<sup>۲</sup>

همچنین پس از خروج ارتش اسرائیل از نوار غزه در سال ۲۰۰۵، کنترل این منطقه عملاً به شکل منطقه گروه A درآمد. در حال حاضر گروه حماس کنترل این منطقه را بر عهده دارد.

به بیان دیگر، اسرائیل بخش عمده سرزمین مورد ادعای فلسطینیان را تحت کنترل دارد، اما نه همه آن را. از آنجایی که دولتهای زیادی در جهان بر تمام سرزمین و آبهای مورد ادعای خود تسلط ندارند، بنابراین، این موضوع به تنهایی نمی تواند دلیلی بر رد دولت بودن فلسطین باشد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> The Israeli-Palestinian Interim Agreement (Oslo II)..

<sup>۲</sup> Is Palestine Really A Country?.

<sup>۳</sup> Ibid



#### ۴- روابط دیپلماتیک فلسطین با دیگر دولتها

در زمینه داشتن روابط با دیگر دولتها، فلسطین تاکنون تعدادی از موافقتنامه‌های بین‌المللی نظیر منشور عرب در زمینه حقوق بشر و منشور میراث فرهنگی یونسکو را امضا کرده و به تصویب رسانده است. به علاوه، دولت فلسطین دارای روابط سیاسی با دولتهای مختلف جهان است.<sup>۱</sup>

بر اساس اطلاعات موجود، دولت فلسطین تاکنون از سوی ۱۳۱ دولت جهان مورد شناسایی قرار گرفته است<sup>۲</sup> و عضو سازمان‌های مختلف بین‌المللی است و دارای مقرر دیپلماتیک در دولتهای مختلف جهان است. همچنین تایید اعلامیه استقلال صادر شده از سوی شورای ملی فلسطین در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قالب قطعنامه ۴۳/۱۷۷،<sup>۳</sup> مدرکی است دال بر شناسایی فلسطین و برقراری روابط با آن از سوی جامعه بین‌المللی. تنها آمریکا و اسرائیل به این قطعنامه رای مخالف داده‌اند و آلمان نیز به آن رای ممتنع داده است.<sup>۴</sup>

در سال ۱۹۸۸ شورای ملی فلسطین، به نمایندگی از سوی مردم فلسطین، استقلال فلسطین را اعلام کرد. در اعلامیه استقلال فلسطین «تشکیل دولت فلسطین در سرزمین فلسطین به پایتختی بیت‌المقدس» اعلام شد. در نتیجه این اعلامیه، یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین برای سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شد. پس از آن مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که در آن «اعلام دولت فلسطین توسط شورای ملی فلسطین در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ را مورد تصدیق قرار داد» و مقرر کرد که «عبارت فلسطین به جای عبارت سازمان آزادی بخش فلسطین در سیستم سازمان ملل متحد مورد استفاده قرار گیرد».<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> Stettner, Ilona-Margarita, *Palestinian Statehood According to International Law*.

<sup>۲</sup> Quigly, ۲۰۱۳, p.۳.

<sup>۳</sup> G.A. Res. ۴۳/۱۷۷, U.N., December ۱۵, ۱۹۸۸.

<sup>۴</sup> Stettner, Ilona-Margarita, *Palestinian Statehood According to International Law*.

<sup>۵</sup> Quigly, ۲۰۰۹, p.۳.



۱۰۴ دولت عضو ملل متحد به این قطعنامه رای مثبت و ۴۴ دولت رای ممتنع دادند. تنها آمریکا و اسرائیل به این قطعنامه رای منفی دادند.<sup>۱</sup>

این میزان رای بالا به قطعنامه مذکور نشان می دهد که فلسطین در جامعه بین المللی به عنوان یک دولت شناخته می شود. اگر جامعه بین المللی مخالف این اعلامیه بود، قطعاً آن را اعلام می کرد. یکی از موارد مشابه در این زمینه، عکس العمل سازمان ملل متحد به اعلامیه دولت شدن جمهوری ترکی قبرس شمالی در سال ۱۹۸۳ است.

##### ۵- تأثیر عضویت فلسطین در ملل متحد در رسیدگی به جنایات اسرائیل

نگرانی عمده ای که آمریکا و دولتهای طرفدار رژیم اسرائیل در مورد عضویت فلسطین در سازمان ملل دارند، اقامه دعوی احتمالی فلسطین در دیوان بین المللی کیفری علیه رژیم اسرائیل است. اساسنامه دیوان بین المللی کیفری (اساسنامه رم) اشعار می دارد که تنها «دولت ها» می توانند به عضویت این اساسنامه در آیند. بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه رم، «دولت هایی» که عضو اساسنامه نیستند نیز می توانند صلاحیت دادگاه را بپذیرند. پس از تجاوز ۲۲ روزه رژیم اسرائیل به غزه، تشکیلات خودگردان فلسطین در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹، به استناد بند سوم ماده ۱۲ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری اعلامیه اعطای صلاحیت را برای رسیدگی به جرائم ارتكابی در سرزمین فلسطین از ابتدای جولای ۲۰۰۲ (زمان لازم الاجرا شدن اساسنامه دیوان) صادر و به دفتردار دیوان تسلیم نمود. ثبت این اعلامیه حرف و حدیث های زیادی را میان حقوق دانان بین المللی به وجود آورد. به ویژه بحث اصلی بر سر مساله اهلیت فلسطین در ثبت اینچنین اعلامیه ای بود. مخالفان با تردید در جایگاه وضعیت فعلی فلسطین به عنوان یک دولت، برای اعلامیه مذکور هیچ اثر حقوقی ای قائل نبودند و در مقابل موافقان با تاکید بر مساله شناسایی فلسطین از سوی بخش عظیمی از دولتها و همچنین عضویت در سازمان ها و معاهدات بین المللی و مهمتر از همه هدف و غایت دیوان مذکور یعنی مقابله با بی کیفری، خواستار اعمال صلاحیت از سوی دادستان دیوان بودند.

<sup>۱</sup> Ibid.



دفتر دادستانی دیوان پس از گذشت سه سال و سه ماه از ثبت اعلامیه فلسطین، در تاریخ سوم آوریل ۲۰۱۲ در قالب یک بیانیه موجز (در کمتر از ۲ صفحه) و عجیب اعلام داشت که تصمیم گیری راجع به این موضوع در صلاحیت دیوان نبوده و موضوع می‌بایست از سوی نهادهای بین‌المللی دیگر همانند دبیرکل سازمان ملل متحد به عنوان امین اساسنامه یا مجمع دولت‌های عضو تعیین تکلیف شود. این در حالی است که اگر قضیه به این راحتی بود که نیازی به گذشت ۳ سال زمان نداشت. این اطاله به خصوص از این بابت عجیب بود که همین دادستان ظرف مدت کوتاهی نسبت به کیفرخواست و صدور قرار بازداشت متهمان لیبیایی و همچنین پرونده دارفور سودان اقدام نموده بود.

### سیاست آمریکا در خاورمیانه: مبارزه با تروریسم و اشاعه دموکراسی در خاورمیانه

مبارزه با کمونیسم که در آغازین دهه ۱۹۹۰ به محاق تاریخ پرتاب شد، در آغازین سال‌های هزاره جدید با سیاست «مبارزه با تروریسم» جایگزین شد. مبارزه با کمونیسم که در بطن تمدن غربی حادث گشت، به معنای یک نبرد درون تمدنی باید در نظر گرفته شود. جنبه اقتدارگرایانه تمدن غربی در برابر بعد آزادی طلبانه به رویارویی پرداخت. در حالی که مبارزه با تروریسم یک نبرد بین تمدنی است. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۷۳) مبارزه با کمونیسم در تطابق با نظر واقع‌گرایی بود، که روابط بین‌الملل در چارچوب روابط قدرت‌های بزرگ تعریف می‌گردد و حیات می‌یابد. آمریکا و شوروی به عنوان رهبران جهان کمونیسم و دنیای سرمایه‌داری ترتیبات امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد نظر را شکل دادند. روابط بین کشورها با در نظر گرفتن این ترتیبات در ابعاد مختلف بود که جهت می‌یافت. اما مبارزه با تروریسم برعکس، این پیش‌فرض لیبرال‌ها را واقعیت بخشیده است که «گروه‌های غیر دولتی»<sup>۱</sup> از بازیگران تعیین کننده و تاثیرگذار در حیات بخشیدن به شرایط بین‌المللی است. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۷۳)

برای اولین بار، آمریکا در طول تاریخ بین‌الملل‌گرایی خود، دشمن اصلی و معارض هویتی را در چهره یک بازیگر دولتی تصویر نکرده است بلکه خود را در برابر گروه‌های غیردولتی می‌یابد که

<sup>۱</sup> Non-Governmental Groups



در قالب دشمن بین‌المللی آمریکا ظاهر گشته‌اند. از نظر آمریکا، دشمنانش که مبارزه با تروریسم برای مقابله با آنها تدوین گشته است به شدت «واپس‌گرا»<sup>۱</sup> هستند و در حسرت گذشته‌ای می‌باشند که از نظر آنان دوران طلایی حیات بشری را نمایش داده است. دشمنان ایدئولوژیک آمریکا که جهان امروزی را به شدت در تعارض با جهان بینی خود می‌یابد، خواهان آن هستند که با رجعت به گذشته دور، به بازسازی هویت ارزشی خود پردازند و جلوی بسط فرهنگ و تمدن غربی را بگیرند. گروه‌های غیردولتی دشمنی با آمریکا را یک الزام هویتی می‌یابد. و حضور جهانی آمریکا را مخصوصاً در منطقه خاورمیانه در تعارض با ارزش‌هایی می‌یابد که از نقطه نظر آنان بنیان حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. ارزش‌هایی که این گروه‌ها، هستی بخش می‌یابند بازتاب تمدن و فرهنگی است که کاملاً غیر غربی است و ریشه در حیات تاریخی و فکری شرق دارد. (دهشمار، ۱۳۸۶: ۱۷۴)

سیاست خارجی آمریکا در هزاره جدید در بسیاری از زمینه‌ها از تفاوت و تمایز با دوران جنگ سرد برخوردار است که این با توجه به مولفه‌های حیاتی شکل دهنده استراتژی مبارزه با تروریسم قابلیت توجه پیدا می‌کند. با در نظر گرفتن ماهیت دشمنان، میزان توانمندی‌های آنان، حوزه جغرافیایی خاستگاه گروه‌های غیردولتی متعارض از یک سو و افزایش قدرت آمریکا، مشروعیت‌یابی جهانی ارزش‌های لیبرالیسم و دگرذیسی تئوریک ارزش‌های محافظه‌کار در آمریکا، پر واضح است که آمریکا به گونه‌ای متفاوت به دنیا بنگرد و به ایفای نقش پردازد. مبارزه با کمونیسم، آوردگاه اصلی را در اروپا تصویر کرد در حالیکه سیاست مبارزه با تروریسم، مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا را به خاورمیانه کشانده است. (دهشمار، ۱۳۸۶: ۱۷۶)

در راستای سیاست دگرگون کردن نقشه ارزش و فکری خاورمیانه است که آمریکا به رهیافت دموکراتیزه کردن روی آورده است. در بخشی از منطقه، این رهیافت از طریق فشار از بیرون دنبال می‌شود. و در دیگر مناطق، آمریکا به مکانیزم‌هایی متوسل شده است که این رهیافت را تسهیل کند. فشار از بیرون به این معناست که آمریکا امیدی به این ندارد که ظرفیت داخلی، استعداد برای

<sup>۱</sup> Reactionary



تحقق دموکراسی را دارا باشند و به همین جهت «پروژه دموکراتیزه کردن»<sup>۱</sup> شیوه کار آمریکا گشته است. رهیافت مبتنی بر تسهیل براساس این باور شکل گرفته است که شرایط داخلی، آمادگی برای حرکت به سوی دموکراسی را داراست. در کشورهایی که این امکان است، شاهد حمایت آمریکا از «فرآیند دموکراتیزه شدن»<sup>۲</sup> می‌باشیم. (دهشمار، ۱۳۸۶: ۱۷۸-۱۷۷)

### فرآیند «دموکراتیزه کردن» مبتنی بر چهار مولفه کلی است:

- ۱- ایجاد فضای مساعد برای شکل دادن به فرآیند انتخابات برای دموکراتیزه کردن عملکرد ساختار سیاسی
  - ۲- دگرگونی ساختار اقتصادی و بنیان نهادن سیستم اقتصادی مبتنی بر ارزش‌ها و معیارهای سرمایه‌داری و مشروعیت دادن به اعتبار بازار برای تعیین نتایج اقتصادی مبتنی بر ارزش‌ها و معیارهای سرمایه‌داری و مشروعیت دادن به اعتبار بازار برای تعیین نتایج اقتصادی در جامعه
  - ۳- متحول ساختن ساختارهای اجتماعی بر بطن اشاعه آموزش و در دسترس قرار دادن آن برای همگان
  - ۴- ایجاد دگرگونی فرهنگی از طریق معرفی ارزش‌های لیبرال بخصوص در ارتباط با برابری زن و مرد (دهشمار، ۱۳۸۵: ۴۰۲)
- سیاست آمریکا در منطقه به دلایل عدیده که برجسته‌ترین آن‌ها متوجه کیفیت ساختارهای مستقر در منطقه و خصلت ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر خاورمیانه است برای مدت‌های مدید بی‌ثباتی سیاسی و تنش‌های اجتماعی را در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به وجود خواهد آورد. این بدان معنی است که آمریکا برای تأمین منافع ملی و از بین بردن خطراتی که متوجه آن‌ها می‌بیند، سیاست‌هایی را در منطقه دنبال کنند که هدفش «مهندس هویتی»<sup>۳</sup> مردم خاورمیانه است. این طبیعی است که مقاومت بسیار وسیع در بین مردم در خصوص تلاش آمریکا برای دگرگونی کردن

<sup>۱</sup> Democratization project

<sup>۲</sup> Democratization process

<sup>۳</sup> Engineering Identity





هنجارهای حاکم که بازتاب تاریخ کهن منطقه است، جلوه‌گری کند. در بطن این مقاومت است که به ضرورت بی‌ثباتی سیاسی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد که خود منجر به حضور وسیع‌تر آمریکا در طی سال‌های آینده در خاورمیانه خواهد شد. (دهشمار، ۱۳۸۶: ۱۷۸)

### آمریکا و مسئله فلسطین: راه حل در دولت

با شکل گرفتن نظام دو قطبی، تعارضات ایدئولوژیک بین دو قطب مستقر در صحنه جهانی و معادلات داخلی در کشورهای غربی، این نگاه را شکل داد که شرایط مناسب بین‌المللی و فضای مطلوب داخلی برای ایجاد یک «پست دیده روی»<sup>۱</sup> به نام اسرائیل در منطقه خاورمیانه که ریشه‌های تاریخی را نیز یدک می‌کشد، وجود دارند. هر چند تاسیس اسرائیل برای غرب به جهت ملاحظات ملی در اروپا و به ویژه انگلستان توجیه‌پذیر بود، اما باید این آگاهی وجود داشته باشد که معادلات بین‌المللی آن را الزامی ساخته بود. (دهشمار، ۱۳۸۵: ۳)

غرب به این نکته آگاهی داشت که موقعیت راهبردی خاورمیانه حضور وسیع و همه‌جانبه را طلب می‌کند. بر این اساس داشتن واحدهای سیاسی به شدت همراه و هم‌ارزش را ضروری می‌سازد. هموارسازی فضای فرهنگی برای رخنه تدریجی و در نهایت کمک به نهادینه ساختن ارزش‌های غربی، تولد اسرائیل را در نزد غرب برجستگی سیاسی اعطا کرد. نیاز به حفظ منابع انرژی که موتور توسعه اقتصادی غرب محسوب می‌شود و تداوم نفوذ سیاسی در منطقه از طریق سد و مهار ارزش‌ها و سیاست‌های متعارض از جانب چالش‌گر سیستم بین‌الملل منطبق بر الگوهای رفتاری و ارزش‌های هنجاری غربی، تولد و تأسیس اسرائیل را اهمیتی دوچندان اعطا کرد، به موازات این واقعیت‌ها و تلاش اتحاد شوروی برای حضور در خاورمیانه در راستای تضعیف جایگاه راهبردی و خاستگاه اقتصادی کشورهای غربی، تأسیس اسرائیل برای آمریکا و کشورهای برتر غربی هویتی عقلانی یافت. (دهشمار، ۱۳۸۵: ۴)

مردم فلسطین از سرزمین‌های خود رانده شدند؛ چون که الزامات بین‌المللی آن را ضروری ساخته بود. سیستم بین‌المللی، محرک لازم برای تأسیس اسرائیل را عرضه کرد، بدین دلیل که از سوی

<sup>۱</sup> seen post on



بازیگران برتر غربی اقدامی قاطعانه برای جلوگیری از توسل اسرائیل به جنگ برای شکل‌گیری و تداوم بقا صورت نگرفته است. آمریکا به عنوان رهبر جهان غرب به خاطر جایگاه متمایز خود در سیستم نقش اساسی در بقای اسرائیل بازی کرده است. زیرا آن را در راستای راهبرد منطقه‌ای خود مطلوب و در جهت راهبرد جهانی خود با اهمیت یافته است. در طول دوران جنگ سرد آمریکا به دلیل سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای خود در رقابت با شوروی و به دلیل در خطر دیدن امنیت اسرائیل تاسیس دولت مستقل فلسطین را مورد توجه قرار نداد، چرا که اعتقاد داشت چنین اقدامی (در فضای دو قطبی) نابود کننده است اسرائیل خواهد بود. با فروپاشی شوروی و تغییر فضای بین‌المللی و شکل‌گیری نظام تک قطبی به رهبری آمریکا نمای معادلات در «مسئله فلسطین» هم تغییر کرد. آمریکایی‌ها با توجه به واقعیت‌های بین‌المللی که به شدت متفاوت از دوران جنگ سرد است، این را تشخیص داده‌اند که شکل گرفتن دولت مستقل فلسطینی در راستای منافع راهبردی است. واقعیت‌های حاکم بین‌المللی به گونه‌ای متجلی شده‌اند که کمترین خطری امنیت اسرائیل، دسترسی به منابع انرژی، موقعیت کشورهای متحد و حوزه نفوذ آمریکا را در منطقه خاورمیانه در صورت ایجاد دولت مستقل فلسطین تهدید نمی‌کند. (دهشیار، ۱۳۸۵: ۹)

به همین روی بود که نخبگان سیاست خارجی آمریکا به این اعتقاد دست یافتند که تشکیل دولت مستقل فلسطین منجر به کاهش هزینه‌های روانی اشاعه ارزش‌های لیبرال در منطقه خاورمیانه خواهد شد. تاکید آمریکا بر این که دموکراسی و اصلاحات، دولت‌های خاورمیانه را قوی‌تر و با ثبات‌تر خواهد کرد، محرک وسیع و گسترده برای پایان دادن به معضل فلسطین را به وجود آورد. از نظر آمریکا کمک به تاسیس یک دولت دموکراتیک فلسطینی در سرزمین اشغالی منجر به شکل‌گیری صلح دائم در منطقه خواهد شد؛ چرا که «دولت‌های دموکراتیک از جنگ علیه دیگر دولت‌های دموکراتیک ابا دارند.» (Honry and Gowa, ۱۲۳: ۱۹۹۵)

از نظر آمریکا «تحقق تشکیل دولت مستقل فلسطینی»، موجب خواهد شد که مطالبات مردم فلسطین از طریق یک نهاد ملی که در چارچوب رویه‌های بین‌المللی عمل می‌کند، بیان گردد و بدین ترتیب، مشروعیت ارزش‌های (لیبرال) نظام بین‌الملل تصدیق و تایید گردد که این خود به مفهوم تجانس ایدئولوژیک فلسطینی‌ها با اسرائیلی‌هاست.» (دهشیار، ۱۳۸۲: ۱۷) به همین روی است



که «ضرورت شکل گیری دولت مستقل فلسطینی» فرصت ظهور پیدا کرده است، نه به لحاظ این که از نقطه نظر اخلاقی استدلال فلسطینی ها مطلوبیت کسب کرده است، بلکه به جهت این واقعیت است که فضای بین المللی آن را با توجه به منافع راهبردی قدرت برتر (آمریکا) و ارزش های مستقر شده نظم بین المللی (نظم لیبرال) و اشاعه این نظم (لیبرال) در منطقه خاورمیانه، بایسته یافته است. سیاست خارجی ایالات متحده پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ صحنه اتخاذ تصمیمات جنجال برانگیز بسیاری بوده به صورتی که حتی موجب اعتراض دولت های همپیمان و واشنگتن شده است. در این میانیکی از موضع گیری های بسیار جنجالی ترامپ مربوط به اجرای قانون انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به بیت المقدس می باشد که در سال ۱۹۹۵ تصویب شده بود اما تاکنون تمامی دولت های روی کار آمده، این قانون را به دلیل مخالفت های گسترده مسلمانان و فلسطینیان و عواقب نامعلوم اجرای آن تعلیق کرده اند. در همین راستا ترامپ نیز با وجود وعده انتقال فوری سفارت به بیت المقدس / اورشلیم، اول ژوئن امسال اجرای قطعنامه کنگره را برای شش ماه دیگر تعلیق کرد. اما در شرایطی که ۱۰ آذر این مهلت شش ماهه به پایان رسید، روز گذشته روزنامه وال استریت ژورنال اعلام کرد: دولت دونالد ترامپ در حال مطالعه طرحی برای شناسایی رسمی بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به این شهر است و واشنگتن سفارتخانه های ایالات متحده را از این طرح خود مطلع کرده است. همچنین مایک پنس، معاون رئیس جمهور آمریکا روز چهارشنبه ۸ آذر در مراسم ۷۰ سالگی صدور قطعنامه ۱۸۱ درباره تشکیل «کشور یهود» در اراضی اشغالی فلسطین در سازمان ملل گفت: «دونالد ترامپ در حال حاضر موعد و چگونگی انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس را بررسی می کند». حال با توجه به این اخبار و سخنان مقامات رده بالای کاخ سفید این پرسش مطرح است که اهداف ترامپ از اقدام احتمالی برای اجرای مصوبه انتقال سفارت چیست؟ و چه تبعاتی را می تواند در پی داشته باشد؟

**تضعیف پروژه سازش و ظهور انتفاضه جدید**



دولت‌های مختلف آمریکا در طول دهه‌های گذشته همواره سعی داشته‌اند با ارائه چهره‌ای بی‌طرفانه از خود در موضع اختلافات میان فلسطینیان و صهیونیست‌ها، اهداف و سیاستهای مشترک خود با مقامات صهیونیستی را در قالب مذاکرات صلح تحقق بخشند اما واقعیت آن است که ایالات متحده و غرب هیچگاه میانجی بی‌طرف نبوده است و برگزاری ادوار مختلفی از مذاکرات به اصطلاح صلح خاورمیانه با مشارکت پاره‌ای دولت‌های سرسپرده عربی، اولاً هیچگاه به محکوم کردن اقدامات اشغالگرانه و جنایات صهیونیست‌ها در حق مردم فلسطین منجر نشده و ثانیاً توسل به راهکار مذاکره از این حیث بوده است که واشنگتن به ناکارآمدی ابزار زور و نظامی برای تضمین تداوم حیات رژیم جعلی صهیونیستی در منطقه به خوبی آگاه است. حال با توجه به این واقعیت، پس از علنی شدن چهره حمایتگرانه آمریکا از تجاوزگری اسرائیل با انتقال سفارت خود از تل‌آویو به بیت المقدس و رسمیت بخشیدن به اشغالگری، عملاً ادله و ادعاهای جریان حامی سازش برای ترغیب فلسطینیان به آمدن در پای میز مذاکره باطل شده و بار دیگر حقانیت جریان مقاومت در لزوم مقابله با اشغالگری اثبات خواهد شد.

### تشدید مخالفت‌های بین‌المللی با دولت آمریکا

دولت آمریکا در دوران ترامپ رویه عهدشکنی و برهم زدن توافقات بین‌المللی که دولت‌های پیشین آمریکا رسماً متعهد به اجرای آن شده‌اند را در پیش گرفته و همین امر دلیل اعتراض دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی را سبب شده است. خروج از توافقنامه آب و هوایی پاریس، خروج از توافق آسیا پاسفیک، تهدید به خروج از توافق هسته‌ای شش قدرت جهانی با ایران تنها پاره‌ای از این عهدشکنی دولت جدید آمریکا بوده است. در این شرایط اجرای قانون انتقال سفارت یکی دیگر از موارد نقض توافقات بین‌المللی خواهد بود زیرا در حال حاضر حتی سازمان ملل نیز حضور اسرائیل در شرق بیت المقدس را به عنوان اشغال این شهر معرفی می‌کند.

### میزان مشروعیت و تطابق بیانیه ترامپ با قوانین بین‌المللی



ضروری است بگوییم که اسرائیل طبق قوانین بین المللی، ملزم به عدم الحاق اقلیم و پایان دادن به وضعیت اشغالگری می باشد، آنهم تا زمانیکه جامعه بین الملل از طریق سازمان ملل متحد و موسسات آن اقدام به صدور قطعنامه هایی کرده است که تشکیلات اشغالگر را به پایان دادن به اشغالگری، و عدم الحاق اقلیم اشغالی (یعنی شهر قدس) ملزم می کند.

### تأثیرات غیرقانونی بودن اعلامیه ترامپ پیرامون قدس

- ۱- بیانیه ترامپ نمی تواند وضعیت حقوقی شهر قدس را به عنوان یک سرزمین اشغالی عربی تغییر دهد، به ویژه پس از آنکه جامعه بین الملل، با آن بخاطر غیرقانونی بودنش با عدم پذیرش مطلق برخورد کرد، بطوریکه توسط نزدیکترین متحدان ایالات متحده هم تأیید نشد.
- ۲- دولت ایالات متحده موظف است این تصمیم را لغو کند، زیرا این تصمیمی یکجانبه است که با تعهدات ایالات متحده در معاهدات بین المللی مانند کنوانسیون های سال ۱۹۰۷، و کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل ضمیمه آن، مغایرت دارد. این تصمیم همچنین برخلاف تعهدات این کشور در راستای منشور ملل متحد و قطعنامه های مربوطه است و با نقش آمریکا بعنوان واسطه و حامی پروسه صلح، در تضاد می باشد.
- ۳- یکی از عواقب غیرقانونی بودن این بیانیه این است که صفت بی طرف بودن ایالات متحده را به عنوان واسطه و حامی روند صلح ساقط می کند، واسطه ای که طرف فلسطینی از سال ۱۹۹۳ به بعد روی آن حساب باز کرده بود، و ممکن است باعث شود فلسطینیان از تعهدات خود مانند توافقات اسلو، که از سوی ایالات متحده حمایت شده اند، کناره گیری کنند.
- ۴- همه کشورها ملزم به عدم به رسمیت شناختن وضعیت غیرقانونی ناشی از این بیانیه، و عدم ارائه مساعدت و یا کمک به استمرار این وضعیت غیرقانونی می باشند، و همچنین ملزم به همکاری جهت پایان دادن وضعیت مذکور و عدم شرکت در اعمال اقدامات غیر قانونی بین المللی از طریق عدم اجرای تعهدات فوق الذکر می باشند.



۵- غیرقانونی بودن این بیانیه باعث می‌شود سازمان ملل متحد با چالشی بی‌سابقه روبرو شود و این سازمان را به پایبندی به مسئولیت‌های خود وامی‌دارد، که ضامن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه همکاری میان ملل بر اساس برابری و احترام به حقوق بشر، و اعطای حق مردم فلسطین در استفاده از حق مسلم خود در تعیین سرنوشت و مکانیسم‌هایی است که موجب عملی شدن آن حق در تشکیل دولت فلسطین با قدس شرقی به عنوان پایتخت آن می‌باشد.

### پیامدهای سیاسی و حقوقی انتقال سفارت آمریکا به قدس

۱- از بین رفتن نقش محوری ایالات متحده در مذاکرات سازش بین طرف‌های عربی: با توجه به اینکه آمریکا در ادوار مختلف مذاکرات صلح، از جمله مذاکرات وادی عربیه میان رژیم صهیونیستی و اردن، کمپ دیوید میان مصر و رژیم و همچنین در مذاکرات اسلو بین تشکیلات خودگردان و رژیم، بر عدم ضمیمه شدن قدس تأکید داشته و یا اینکه حل موضوع قدس را جزئی از راه حل نهایی دانسته، اقدام به انتقال سفارت به بیت‌المقدس در واقع به رسمیت شناختن عملی اشغال این شهر، نقش میانجیگری و محوری آمریکا را در میان جبهه‌ی عربی مذاکرات از بین خواهد برد.<sup>۱</sup>

۲- مخالفت سازمان ملل و جامعه بین‌المللی: این اقدام در تقابل آشکار با قطعنامه‌ها و تصمیمات سازمان ملل از جمله قطعنامه‌های ۲۴۲ (سال ۱۹۶۷)، ۳۳۸ (سال ۱۹۷۳)، ۴۴۶ (سال ۱۹۷۹)، ۴۵۲ (سال ۱۹۷۹)، ۴۶۵ (سال ۱۹۸۰)، ۴۷۶ (سال ۱۹۸۰)، ۴۷۸ (سال ۱۹۸۰)، ۱۳۹۷ (سال ۲۰۰۲)، ۱۵۱۵ (سال ۲۰۰۳)، ۱۸۵۰ (سال ۲۰۰۸) و در نهایت ۲۳۳۴ در سال ۲۰۱۶ است. در نتیجه طبیعتاً مخالفت سازمان ملل و شورای امنیت را در پی خواهد داشت.

۳- عکس‌العمل محور مقاومت: گروه‌های مقاومت اسلامی مثل حماس و جهاد اسلامی که از اساس وجود رژیم صهیونیستی را در سرزمین تاریخی فلسطین غاصبانه می‌دانند، در پی این اقدام

<sup>۱</sup>-سیناریوهات ترامپ لنقل السفارة الامريكية للقدس»، مرکز الزيتونه للدراسات والاستشارات، تقدیر استراتیجی ۹۶،



ممکن است به عکس العمل مسلحانه دست بزنند. در آن صورت، زمینه‌های حمایت افکار عمومی مسلمانان از این اقدامات کاملاً مهیا خواهد بود. این اقدام همچنین می‌تواند منجر به تقویت و افزایش حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های مقاومت اسلامی فلسطین و حزب‌الله لبنان شود.

۴- از بین رفتن امیدها به راه حل دو دولت: طرف مذاکره کننده فلسطینی در تمامی گفت و گوهای سازش، بر اعلام حکومت فلسطین به پایتختی قدس تأکید داشته است. عملاً این اقدام، امیدها به محقق شدن راه حل دو دولت در سرزمین تاریخی فلسطین را از بین خواهد برد.

۵- مواجه شدن جامعه‌ی جهانی با اقدام انجام شده: در صورت تحقق این امر و ادامه‌ی روند یهودی سازی قدس، عملاً جامعه‌ی بین الملل خود را در برابر یک اقدام انجام شده خواهد دید. در این صورت هرگونه اقدام متقابل برای به رسمیت شناختن هویت اسلامی قدس، سخت و پرهزینه خواهد بود.

۶- مشکلات آمریکا با توجه به حضور سفارتخانه‌های دیگر کشورها در تل آویو

۷- افزایش محکومیت‌های ضد اشغالگری در میان افکار عمومی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی و تقویت جریانات اجتماعی مثل بی.دی.اس.

۸- در عین حال نگاهی به شرایط حاکم بر کشورهای عربی و اسلامی نشان می‌دهد که شرایط اقدام متقابل از سوی این کشورها از محکومیت‌های لفظی و یا حداکثر سیاسی فراتر نخواهد رفت. لذا این شرایط، می‌تواند به رژیم صهیونیستی در روند یهودی سازی سرزمین‌های اشغالی کمک نماید.

### سناریوهای پیش رو برای انتقال سفارت امریکا به قدس اشغالی

۱- تنازل ترامپ از وعده‌ی داده شده: همان طور که روسای جمهور پیشین امریکا در عمل و با توجه به محدودیت‌های پیش رو، از اجرای این وعده انتخاباتی خود سرباز زدند، احتمال اینکه وعده‌ی ترامپ نیز به سرنوشت وعده‌های اسلاف خود دچار شود وجود دارد.

۲- اقدام به انتقال سفارت در کوتاه مدت



۳- اقدام به انتقال سفارت در دراز مدت و وعده به انجام این کار در وقت مناسب: کما اینکه جیسون میلر، سخنگوی ترامپ گفته است که تعیین وقت برای انتقال سفارت به قدس «زود است».

۴- انتقال سفارت به قدس غربی: از آنجا که در ذهنیت محور سازش و مجامع بین المللی، نزاعی بر سر بخش های غربی قدس نیست، این احتمال که آمریکا سفارت خود را به قدس غربی منتقل نماید وجود دارد. در این صورت آمریکا با این استدلال که بر سر قسمت های غربی قدس نزاعی نیست، خود را در این انتقال محق جلوه داده است، اما از این نکته نباید غفلت کرد که رژیم صهیونیستی همواره بر یکپارچه بودن قدس به عنوان پایتخت خود تأکید داشته و عملاً این اقدام حرکتی به سوی یهودی سازی قدس خواهد بود.<sup>۱۱</sup>

۵- انتقال تدریجی سفارت: از دیگر سناریوهای محتمل این است که با توجه به حساسیت های موجود در جامعه جهانی، این انتقال به شکل تدریجی انجام گیرد. به این صورت که سفارت به شکل رسمی در تل آویو باقی بماند اما محل استقرار سفیر در کنسولگری آمریکا در قدس باشد. لازم به ذکر است که هم اکنون سه دفتر در قدس از سوی سفارت آمریکا، خدمات کنسولی ارائه می دهد. یک دفتر در قدس شرقی، یک دفتر در قدس غربی و یک دفتر در مرز دو قسمت.<sup>۱۲</sup>

۶- سناریوی محتمل اما ضعیف دیگر که ممکن است به وقوع بپیوندد، اقدام به انتقال سفارت به قدس، هم زمان با اعلام به رسمیت شناختن دولت فلسطینی با این هدف است که از عکس العمل گروه های فلسطینی و کشورهای عربی جلوگیری نماید.

### نتیجه گیری

انتقال سفارت در این روز، دارای اهمیت سیاسی برای مقامات در کرانه باختری و نوار غزه و گروه های فلسطینی، برای تصمیم گیری درباره ابعاد استراتژیک این جنایت علیه آرمان ملی فلسطین است. این تصمیم در انتخاب این تاریخ، علاوه بر نابود کردن گزینه دو دولت و تحریک احساسات همه اعراب مسلمانان، تایید می کند که دولت آمریکا نقش خود را به عنوان یک حامی

<sup>۱</sup> همان.

<sup>۲</sup> همان.





از روند صلح از دست داده به دلیل آن که چنین تصمیماتی در حال حاضر می‌تواند تبدیل به بخشی از مشکل شود و نمی‌تواند بخشی از راه حل باشد.

روز ۱۴ ماه مه با هفتادمین سالروز تاسیس رژیم صهیونیستی همزمان است که فلسطینیان از آن با عنوان «روز نکبت» یاد می‌کنند. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا ۱۵ آذرماه سال جاری در یک سخنرانی تصمیم جنجالی خود مبنی بر به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی را اعلام کرد. ترامپ در این سخنران همچنین دستور داد که سفارت آمریکا در فلسطین اشغالی که در حال حاضر در تل آویو است به قدس منتقل شود.

انتخاب بیت المقدس به عنوان پایتخت دولت اشغالگر در این تاریخ پیاده سازی یک تصمیم اشتباه و تأیید کننده این اصل است که نمی‌توان دولت آمریکا به عنوان حامی برای حل و فصل سیاسی آینده در منطقه پذیرفت، چرا که آنها مغرضانه از این موقعیت‌ها در جهت انحلال حق و حقوق مشروع مردم فلسطین، استفاده خواهند کرد.

همچنین باید موضوع برجام را نیز به این امر اضافه کرد. ترامپ در اردیبهشت ماه احتمالاً از برجام خارج خواهد شد و این امر می‌تواند سناریویی چندگانه از سوی آمریکا باشد.

پیامدهای تصمیم اخیر دونالد ترامپ در باره بیت المقدس

در میان پیامدهای احتمالی تصمیم اخیر رئیس جمهور آمریکا سه پیامد بسیار برجسته تر به نظر می‌رسد.

۱. مختل شدن روند صلح فلسطین که از دهه ۱۹۷۰ با میانجی‌گری آمریکا و انعطاف جنبش فتح تداوم یافته است. این تصمیم هم صفوف فلسطینیان در داخل را فشرده کرده است و هم اعتبار امریکارا به عنوان میانجی خدشه دار ساخته است. ضمن این که کشورهای مخالف اسرائیل و امریکا مجال بیشتری برای تحریک و بسیج افکار کشورهای عربی خواهند یافت و اجلاس اخیر استانبول یک نمونه آن است.

۲. موقعیت امریکا در سطح بین‌المللی به لحاظ اخلاقی بیش از گذشته زیان دیده و می‌بیند. اگر امریکا قطعنامه پیش نهادی مصر در نشست امروز را وتو کند که انتظار چنین است، انگاه محمود



عباس با ارجاع این قطعنامه به مجمع عمومی که دیگر امریکا حق و تو ندارد هر چند اعتبار اجرایی قطعنامه مجمع عمومی پائین است، زمینه انزوای بین المللی بیشتر امریکا را فراهم می کند.

۳. سومین و مهم ترین پیامد، تشدید فعالیت گروههای جهادی و ارادیکال اسلام گرا در سراسر خاورمیانه و فراتر از آن است. نصر حامد ابو زید و بسیاری از تحلیل گران حضور امریکا در عراق و افغانستان را در تقویت جریانهای رادیکال اسلامی و ظهور جریانهای به شدت خشن چون داعش موثر دانسته بودند. حال به نظر می رسد که جریانهای رادیکال اسلامی با استفاده از این حربه روحیه جهادی و عملیات علیه متحدان امریکا در منطقه را تشدید کرده و هزینه های سنگین این تصمیم را متوجه دولت های متحد امریکا در منطقه خواهند کرد.

یکی دیگر از تبعات مهم اجرای طرح انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس به طور حتم تشدید بی ثباتی در منطقه خواهد بود. هم اکنون رقابت و در مواردی خصومت قدرت های منطقه ای و بین المللی به درجات مختلف در پرونده های مهمی چون سوریه، یمن، لبنان و افغانستان و عراق در جریان است و شرایط منطقه بسیار پیچیده و حساس می باشد. در چنین شرایطی، با توجه به موضوع ریشه دار و عمیق فلسطین - که پیش از نیم قرن است تداوم دارد - مسئله مهم و حساس انتقال سفارت آمریکا به قدس، شرایط را بسیار پیچیده تر می سازد و ضمن گسترش دامنه بحران، منازعات در منطقه را تشدید خواهد نمود که سر آغاز آن می تواند، شعله ور شدن آتش انتفاضه فلسطین و ورود به یک جنگ در سرزمین های اشغالی باشد.

مجموعه تصمیم گیری هایی که «دونالد ترامپ» رییس جمهوری آمریکا اتخاذ کرد، شرایط منطقه ای را به سمت یک بحران تازه برد و خاورمیانه را در آستانه یک بحران فزاینده قرار داد که ممکن است به یک جنگ منطقه ای منجر شود. اقدام اخیر ترامپ در شناسایی بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و انتقال سفارت امریکا از تل آویو به بیت المقدس، خاورمیانه را در آستانه یک انفجار امنیتی و سیاسی قرار داد. از آنجا که او در جریان تبلیغات انتخاباتی خود در نشست سران لابی صهیونیستی تعهد داد که ۵ موضوع مهم را در دستور کار خود قرار دهد لذا ترامپ پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری به تعهدات خود عمل کرد.



شناسایی بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم اسرائیل، انتقال سفارت امریکا به بیت المقدس، تقابل با محور مقاومت، فشار به کشورهای عربی برای برقراری رابطه با اسرائیل و لغو برجام بخشی از تعهدات ترامپ به لابی صهیونیستی بود که سریعاً به این وعده‌ها عمل کرد. قیام مردم فلسطین علیه تصمیم اخیر ترامپ در انتقال سفارت امریکا به بیت المقدس به شکل گریک انتفاضه فلسطینی منجر شده که ممکن است سال‌ها طول بکشد و شرایط ناپایداری در فلسطین اشغالی ایجاد کند. از سوی دیگر عربستان تحت فشار امریکا وارد بازی سیاسی خطرناکی شده و آن برقراری رابطه و همکاری آشکار با رژیم صهیونیستی است که این امر تضعیف حقوق ملت فلسطین را به همراه خواهد داشت. به نظر می‌رسد تلاش‌های همه‌ی علاقه‌مندان به سرنوشت فلسطین باید معطوف به افزایش هزینه‌های اجرای این تصمیم برای ایالات متحده باشد. خواه این افزایش از طریق تقویت فعالیت‌ها و رایزنی‌های دیپلماتیک، خواه از طریق دیپلماسی عمومی و تقویت جریان‌های اجتماعی ضد اشغالگری و خواه از طریق نقش آفرینی گروه‌های مقاومت اسلامی.

### منابع فارسی

#### کتاب

- اداره اطلاعات سازمان ملل متحد، راهنمای سازمان ملل متحد، ترجمه منصور فراسیون، انتشارات وزارت علوم، آموزش عالی، تهران، ۱۳۵۴.
- ثابت سعیدی، ارسال، حقوق بین الملل عمومی دانشگاه پیام نور، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۳.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، گنج دانش، چاپ سی و چهارم، تهران، ۱۳۸۷
- فن گلان، گرهارد، درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی، جلد اول، ترجمه سید داوود آقایی، نشر میزان- نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- کلود آلبر، کلییار، سازمان‌های بین المللی، ترجمه و تحقیق از هدایت الله فلسفی، نشر فاخته، تهران: ۱۳۷۱.



- مقتدر، هوشنگ حقوق بین الملل عمومی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ یازدهم، پاییز ۱۳۸۵
- موسی زاده، رضا، بایسته‌های حقوق بین الملل عمومی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- موسی زاده، رضا، حقوق سازمان های بین المللی؛ حقوق شورای امنیت، نشر میزان، تهران، بهار ۱۳۸۹.

#### مقاله

- ابراهیمی، محمد، حکمرانی خوب (مطلوب)، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، قابل دسترسی در پایگاه پژوهشکده باقرالعلوم (ع) به آدرس:  
• <<http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=۳۱۷۹>> (last visit: October ۱۱، ۲۰۱۳) ۴
- خلقی، منیر، تغییر ماهیت حقوقی اشغال فلسطین، پایگاه خبری تابناک قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی تابناک به آدرس:
- <<http://www.tabnak.ir/fa/news/>>
- سیاست زدگی در محضر دادگاه های بین المللی، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی دیپلماسی ایرانی به آدرس:
- <<http://irdiplomacy.ir/>>
- محبی، سعید، آثار خوب و بد کشور شدن فلسطین. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی مجله مهرنامه به آدرس:
- <<http://www.mehrnameh.ir/article/۲۷۴۸/>>
- موسسه حقوق بین الملل پارس-تهران، عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد و مسئله دولت بودن (یا نبودن)؟، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی موسسه حقوق بین الملل پارس-تهران به آدرس:
- <<http://internationallaw.blogfa.com/post-۷۴۹.aspx>> (۱۳۹۱)



- موسی زاده، رضا، پذیرش اعضای جدید در پرتوی حقوق و رویه سازمان ملل متحد، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷
- نجفی اسفاد، مرتضی، تاسیس رژیم اسرائیل از دیدگاه حقوق بین الملل، گزارش راهبردی، شماره ۳۵، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۹۰.
- ضیایی، سید یاسر، عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد از منظر حقوق بین الملل، گزارش راهبردی، شماره ۴۱، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، بهمن ۱۳۹۰.

#### منابع

- اردستانی علی، کامجو الهه (۱۳۹۵) بررسی شرایط تعلیق حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه (مطالعه موردی: منازعه فلسطین اسرائیل) گروه حقوق عمومی، دانشگاه سمنان، مطالعات حقوق عمومی (حقوق): پاییز، دوره ۴۶، شماره ۳
- بزرگمهری مجید، محمدخانی علیرضا، (۱۳۹۰) موضوع فلسطین و شورای امنیت سازمان ملل متحد کاربرد حق وتو مانع از تحقق صلح بین المللی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین زمستان ۱۳۹۰، دوره ۷، شماره ۴ (پیاپی ۲۴)
- پیری نوید، ترکشوند مهدی، اسکندری علی اصغر، تأثیر پایداری فلسطین بر گفتمان انسانی در دیوان فدوی طوقان، دانشگاه تهران): پاییز و زمستان ۱۳۹۷، دوره ۱۰، شماره ۲
- سادات سیداحمد (۱۳۹۴) روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش های مقاومت اسلامی فلسطین (با تاکید بر جنبش جهاد اسلامی) مطالعات سیاسی جهان اسلام
- حبیب زاده توکل (۱۳۹۵)، ابتدای مقاومت مردم فلسطین بر حق تعیین سرنوشت و تعهدات جامعه بین المللی در قبال آن، مطالعات حقوق عمومی دانشگاه امام صادق: زمستان، دوره ۴۶، شماره ۴
- حاتمی محمدرضا، جرفی احمد (۱۳۹۶) تغییر هویت دولت در مصر و تحول سیاست خارجی این کشور، مطالعه موردی مساله فلسطین و بحران سوریه پژوهش های روابط بین الملل: بهار، دوره ۱، شماره ۲۳



- حبیبی مجنده محمد، روستایی علیرضا، (۱۳۹۳) بررسی نسل زدایی فرهنگی در حقوق بین الملل با تاکید بر قضیه فلسطین
- عبدخدایی مجتبی، تبریزی زینب، (۱۳۹۴) بررسی نقش آفرینی قطر در مساله فلسطین بعد از تحولات منطقه، ۲۰۱۱ دانشگاه علامه طباطبائی پژوهش های راهبردی سیاست: زمستان، دوره ۴
- دهقانی فیروزآبادی سیدجمال، آجورلو حسین (۱۳۹۴) تحلیل راهبردی تحقق آرمان فلسطین در پرتوی بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، گروه روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی بهار و تابستان ۱۳۹۴، دوره ۳، شماره ۱
- درخشه جلال، صادقی زاده کسری (۱۳۹۰) جنبش اسلامی در اراضی اشغالی سال ۱۹۴۸، بهار، دوره ۸، شماره ۲۴
- رضازاده حسین، رنجبریان امیرحسین (۱۳۹۷) شناسایی جمعی فلسطین؛ عضویت در سازمان ملل متحد، مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، دوره ۴۹، شماره ۱
- رضوانی قوام آبادی محمدحسین (۱۳۹۵) از شناسایی دولت فلسطین تا عضویت در دیوان کیفری بین المللی، دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲، شماره ۷
- فلاح پیشه حشمت اله، سوری فاطمه (۱۳۹۶) جایگاه فلسطین در سیاست خارجی مصر؛ از مبارک تاسیسی، شماره: بهار دوره ۵، شماره ۲۰
- میرمحمدی، سیدمصطفی (۱۳۹۷). حقوق بین الملل و انتقال سفارت آمریکا
- مجیدی حسن (۱۳۹۰) مقاومت و فلسفه پیدایش مقاومت در کشورهای اسلامی تحت اشغال؛ فلسطین و عراق دانشگاه حکیم سبزواری: پاییز ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱، دوره ۳، شماره ۵-۶
- منبع: روزنامه شرق، ۱۳۹۷، ۳، ۲. [fa.euronews.com](http://fa.euronews.com)